

مسح

با نقد و تفسیر

فرانتس کافکا
کامل روزدار





کافکا در ژوئیه ۱۸۸۳ در پراگ به دنیا آمد. آثار کافکا عمدتاً در مورد تناقضات زندگی می‌باشد. او در مورد خودش می‌گوید: «من یک نویسنده هستم حتی اگر چیزی ننویسم.» او در سال ۱۹۲۴ درگذشت.



کافکا «مسخ» را در سال ۱۹۱۲ میلادی به رشته تحریر درآورد. در این داستان تضادی در هویت موجود مرکب از انسان و حیوان (گرگور و حشره) وجود دارد ولی به این تضاد ظاهراً اهمیتی داده نمی‌شود. «مسخ» دلهره و اضطراب بنیادین عصر مدرن را بازتاب می‌دهد؛ دلهره از دست دادن هویت خود. این دلهره و اضطراب در اثر سلطه طرز تفکر علوم طبیعی و فنی و نیز از گرایشات این علوم به تنزل انسان به مجموعه‌ای بدون هویت از فاکت‌ها به وجود آمده است.



۹۷۸۹۶۴۵۱۹۳۶۷۹۷



نشر اشاره

ادبیات معاصر

۴۷

عنوان داستان به آلمانی

Die Verwandlung

مسخ

داستان کوتاه «مسخ»

نقد و تفسیر «مسخ»

فرانتس کافکا

مترجم: کامل روزدار



نشر اشاره

۵۳۶۷۶

کافکا، فرانز، ۱۸۸۳-۱۹۲۴ م. Kafka, Franz.
مسخ / داستان کوتاه «مسخ» / فرانز کافکا / مترجم کامل روزدار.
نقد و تفسیر «مسخ» / کامل روزدار.
تهران: نشر اشاره، ۱۳۶ ص. ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
ادبیات معاصر؛ ۴۷

ISBN - 978 - 964 - 8936 - 79 - 7

فبیا

عنوان اصلی: Die Verwandlung

مندرجات: ص [۷-۸۸] مسخ/فرانز کافکا. ص [۸۹] - ۱۳۴ نقد داستان مسخ. کامل روزدار.

الف. داستان‌های آلمانی - قرن ۲۰ م.

ب. داستان‌های آلمانی - قرن ۲۰ م. تاریخ و نقد.

روزدار، کامل، ۱۳۳۹، مترجم. Rouzdar, Kamel

م/۲۶۳۲/PT

۸۳۳/۹۱۲

۳۵۸۲۶۴۰



نشر اشاره

مسخ

کافکا، فرانز

روزدار، کامل

رسم الخط، حروفچینی و صفحه‌بندی: ف. داودی

طرح روی جلد: اوتومار اشتارکه Ottomar Starke

تنظیم طرح جلد: قشقایی، امیر

لیتوگرافی: فام، چاپ: فرشیوه، صحافی: روشنگر

چاپ اول: ۱۳۹۳ شمارگان: ۱۰۰۰

شابک: ۷ - ۷۹ - ۸۹۳۶ - ۹۶۴ - ۹۷۸ - 79 - 8936 - 964 - 978 ISBN:

نشر اشاره: تهران، صندوق پستی ۱۱۷۷-۱۳۱۴۵ تلفکس: ۶۶۴۱۸۹۱۱

Email: eshareh_pub@yahoo.com

حق چاپ محفوظ است.

قیمت: ۸۵۰۰۰ ریال

نقد داستان

«مسخ»

نویسنده: کامل روزدار

مقدمه

کافکا «مسخ» را در سال ۱۹۱۲ میلادی به رشته تحریر درآورد. به خاطر شباهت انگیزه‌های این داستان به انگیزه‌های مکتب پرمیتیویسم، اخیراً منتقد آلمانی آقای یورگن تسینک Jürgen Zink این داستان را از جنبه پرمیتیویستی مورد نقد و بررسی قرار داده است. در این مقاله از تحقیقات و تعبیر این منتقد استفاده شده است.

پرمیتیویسم

پرمیتیویسم Primitivism یعنی بدوی‌گرایی، منشاء‌گرایی، یعنی ترجیح دادن طبیعت بر جامعه، زیرا به اعتقاد این مکتب، تمدن و جامعه حالت طبیعی و ارزشمند زندگی را از بین برده‌اند. پتر قرمزی Rotpeter قهرمان داستان «گزارشی برای یک آکادمی» ادعا می‌کند که دیگر نه یک میمون بلکه یک انسان است. او تغییر

هویت خود را به صورت یک تکامل بیولوژیک توصیف می‌کند. اما پتر قرمزی زمانی که گزارش این تغییر و تحول را می‌داد، موجودی مرکب از میمون و انسان بود. زیرا او در آن هنگام هم از خصوصیات یک میمون و هم از ویژگی‌های یک انسان برخوردار بود. اصولاً تفکر عقلانی ما میان انسان و حیوان تفاوت قایل می‌شود. ولی در این جا چنین تفاوت بنیادینی مابین این دو جنس و نوع کاملاً از میان برداشته شده است. در قرن نوزدهم دانشمندان، کاوشگران، مبلغین مذهبی و ماجراجویان بسیاری در گروه‌های پژوهشی، همان‌گونه که کافکا در داستان خود «گزارشی برای یک آکادمی» توصیف می‌کند، از اروپا به کشورها و مناطق غیر متمدن آن سوی اقیانوس‌ها سفر کردند. این گروه‌های اعزامی نه تنها جانوران و اشیاء بسیار بلکه اخبار و اطلاعاتی از جوامع ابتدایی و نیز «انسان‌هایی وحشی» را با خود آوردند و آن‌ها را در موزه‌ها و یا سیرک‌ها و یا در اماکن مناسب دیگری در معرض دید مردم قرار دادند.

محقق آلمانی آقای کارل فون دن اشتاینن Karl von den Steinen که در زمینه «نژادشناسی» (Ethnologie^۱) تحقیق و پژوهش می‌کرد از سفر خود به آمریکای جنوبی در سال ۱۹۰۰ میلادی اطلاعات بسیار جالبی را با خود به همراه آورد: گزارشی دربارهٔ قبیله‌ای از سرخ‌پوستان آمازونا Amazona به نام بُروروز Bororos و نیز دربارهٔ طرز فکر و تلقی این سرخ‌پوستان. اهالی این قبیله بر این باور بودند که آن‌ها طوطی هستند. آن‌ها در واقع گمان می‌کردند که موجودی مرکب از

۱. [تولوژی Ethnologie] نژادشناسی، قوم‌شناسی] دانشی است که به بررسی منشأ، پراکندگی و ویژگی‌های متمایز نژادها و فرهنگ اقوام بدوی می‌پردازد.

طوطی و انسان می‌باشند. هم در گزارش آقای فون دِن اشتاینز و هم در «گزارشی برای یک آکادمی» شکاری که در این سفر پژوهشی به دست آمده بود، یعنی موجودی که دارای طرز فکری بیگانه و از دنیایی ناشناخته بود و به اروپای متمدن آورده شده بود، معرفی می‌گردد. در آغاز قرن بیستم علومی چون نژاد شناسی، روانشناسی و تاریخ مذهب به تحقیق و بررسی این طرز فکر، که طرز فکری «اساطیری» نامیده می‌شود، پرداختند. محققین و دانشمندان بر این عقیده بودند که این طرز فکر «اساطیری» به مثابه «نوعی آگاهی دیگر» مطالبات شیوه تفکر منطقی - عقلانی را نفی می‌کند. در عصر باستان «منطق» و «اسطوره» متضاد یکدیگر محسوب می‌شدند.

«Logos» [لوگوس] یا «منطق» سخن سنجیده‌ای است که آن‌چه را که عاقلانه است بیان می‌کند. در حالی که «Mythos» [میتوس] یا «اسطوره» سخنی است که به طرزی گویا و روشن موضوعی را توصیف می‌کند؛ البته منظور از آن نه سخنی «عاقلانه» بلکه سخنی «واقعی» و «حقیقی» است. لوگوس «Logos» در جستجوی یافتن مطالباتی منطقی - عقلانی است و کل را از طریق تک تک اجزای تشکیل دهنده آن توضیح می‌دهد. ولی میتوس «Mythos» به دنبال یافتن کلی است که تک تک پدیده‌ها را در بر می‌گیرد؛ میتوس «Mythos» یا «اسطوره» اصل و پرینسیپ سنتز^۱ را به کار می‌برد. در میتوس «Mythos» اعتقاد به ارزش‌هایی نمایان و آشکار می‌شود که بر طبق آن انسان می‌تواند پدیده‌های نامتجانس و ناسازگار

۱. Synthese سنتز [ترکیب یا پیوند] مقوله‌ای است فلسفی. سنتز، ترکیب دو یا چند عنصری که در اثر Analyse تجزیه و تحلیل پدیده‌ای به دست آمده است، به یک واحد یا کل جدید می‌باشد.

دنیا را موافق با طرز تلقی و دریافت خود، به اصطلاح در کل یا واحد جامعی گردآوری کرده درک کند.

اما سلطه طرز تفکر منطقی - عقلانی به مرور زمان بیش تر گشت. علت این امر بیش از هر چیز در رشد و تکامل علوم طبیعی بود. با تکامل علوم طبیعی، «Mythos» [میتوس] یا «اسطوره» هر چه بیش تر خرافات و اشتباهاتی مضحک و مسخره محسوب می شد. پیروزی عقل (یعنی پیروزی آگاهی منطقی - عقلانی) آن نوع «آگاهی دیگر» یعنی «آگاهی اساطیری» را سرکوب می کرد. ولی گزارش در مورد قبیله بُرروز باعث برانگیخته شدن فلسفه و هنر شد. توصیفات که در سال ۱۹۰۰ میلادی در این گزارش در مورد طرز فکر و تلقی اساطیری قبیله بُرروز شده بود و اهالی این قبیله را انسان هایی توصیف می کرد که هویت خود را در خود جستجو می کنند، فلاسفه و هنرمندان را به تعمق واداشت. فیلسوف معروف آلمانی فریدریش شلینگ Friedrich Schelling در سال ۱۸۵۷ میلادی کتابی را تحت عنوان «فلسفه اساطیری» به رشته تحریر درآورد. هنرمندان سبک رمانتیک خواستار میتولوژی^۱ نوینی شدند. ادیب و فیلسوف آلمانی فریدریش تئودور فیشر Friedrich Theodor Vischer و نژادشناس آلمانی آقای ویلهلم مَنهاردت Wilhelm Mannhardt تئوری «طرز فکر اساطیری» ماقبل تمدن بشر را تکامل دادند: در دنیای مدرن شیوه تفکر انسان متمدن جایگزین این نوع طرز تفکر اساطیری گردیده است. شیوه تفکر مدرن از قوانین منطق و مقولات فلسفی علت و معلول پیروی می کند.

۱. Mythologie میتولوژی یعنی «اساطیر»، «اسطوره شناسی».

نیچه Nietzsche و فیلسوفان دیگری تردید داشتند که تفکر عقلانی واقعاً بر تفکر اساطیری برتری داشته باشد. آن‌ها در طرز فکر عقلانی که مدعی حقیقت بود، دروغ را می‌دیدند. روانشناس شهیر زیگموند فروید Sigmund Freud که در کتاب خود «تعبیر خواب» تأثیرات ضمیر ناخودآگاه را بررسی و تشریح می‌کند، مکانیسم و عملکرد طرز فکر خوابگونه ضمیر ناخودآگاه را درست مانند شیوه تفکر اساطیری می‌داند. بر طبق تئوری فروید طرز فکر به اصطلاح «اساطیری» ضمیر ناخودآگاه در دنیای درونی انسان مدرن است؛ انسان مدرنی که وقتی خواب نیست، تحت سلطه طرز تفکر عقلانی می‌باشد. هنرمندان بسیاری از جمله نقاش معروف فرانسوی پل گوگن Paul Gauguin و نقاش شهیر اسپانیایی پابلو پیکاسو Pablo Picasso شیوه تفکر اساطیری را به مثابه ابزاری برای طرح هنری مدرن خود به کار بردند. آن‌ها نمی‌خواستند آن‌چه را که ظاهراً به طرزی عقلانی آشکار است به تصویر بکشند، بلکه حقیقت عمیق آن‌چه را که تجسم شده است، نشان دهند. این گونه آثار به «آثار هنری پرمیتیویستی» معروف گردیدند.

ادیبان بسیاری به تحقیق در مورد تأثیر پرمیتیویسم بر ادبیات پرداخته‌اند. منتقد آلمانی آقای تسینک Zink بر این عقیده است که در ادبیات آلمان در سال‌های ۱۹۰۰ و پس از آن، نوعی زبان ادبی را می‌توان یافت که به همان طریق مشابهی تأثیر می‌گذارد که آن را علمی چون روانشناسی و نژادشناسی وصف می‌کنند.

«Mythos» میتوس یا «اسطوره» به مثابه حقیقت

«میتوس» و یا به عبارت دیگر «اسطوره» نه تنها افسانه‌ای تمثیلی است، و نه تنها ظاهری شاعرانه دارد بلکه طرز و نحوه مشخصی برای پی بردن به واقعیت و درک آن است. از همین رو «اسطوره» می‌تواند همیشه به عنوان یک حقیقت معتبر نیز درک گردد. چنین نظری را فیلسوف آلمانی شلینگ Schelling^۱ و تاریخ‌دان سوئیسی باخ‌اوفن Bachofen^۲ در اواسط قرن نوزدهم داشتند.

این دو متفکر فرض را بر این می‌گذاشتند که انسان‌ها در گذشته تفاوتی میان فاعل و مفعول، محدود و نامحدود قایل نبودند. بارشد و تکامل انسان، تفاوت‌ها و تقسیم‌بندی‌های پیچیده به وجود آمد. انسان طرز تفکر عقلانی را تکامل داد. علی‌رغم آن‌که طرز تفکر اساطیری سرکوب و نادیده انگاشته گردید، ولی این طرز فکر در لایه‌های ژرف روح انسان هنوز هم وجود دارد. انتقاد شلینگ و باخ‌اوفن و بعدها نیچه و دیگر فیلسوفان از اعتقاد به نیروی بی‌حد و حصر شعور عقلانی و از نحوه درک تاریخ بیولوژیک، پیش شرطی بود برای پیدایش جریان پرمیتئیویستی در سال‌های ۱۹۰۰ میلادی. علاوه بر این، در آن دوران این احساس ناخوشایند وجود داشت

۱. فیلسوف آلمانی شلینگ رشد و تکامل طرز تفکر اساطیری و شیوه تفکر منطقی را با تکامل آیین چند خدایی Polytheism و سپس با یکتاپرستی Monotheism در ارتباط قرار می‌دهد.

۲. Johann Jakob Bachofen یوهان یاکوب باخ‌اوفن (۱۸۱۵-۱۸۸۷ م.) تاریخ‌دان شهر سوئیسی.

که شیوه «تفکر اساطیری» یعنی طرز فکری که روزی به زندگی بشر مفهوم و هویتی بخشیده بود، از دست رفته است. بنابراین پریمیویسم بازتاب احساس حسرت انسان برای طرز تفکر اساطیری و شیوه زندگی بدوی و ماقبل تمدن بشری است.

طرز تفکر اساطیری از دیدگاه جامعه شناسی

فیلسوف فرانسوی لوی - برول Lévy-Bruhl^۱ می گوید: شیوه تفکر و روحیه انسان ها به طرزی تفکیک ناپذیر با ساختار اجتماعی یک جامعه پیوند خورده است.

انسان می تواند اشیاء و پدیده هایی را که با آن ها ارتباط پیدا می کند نه با تصویری تجربیدی که از آن ها بسیار فاصله دارد، بلکه با سهیم بودن در آن ها درک کند. در «طرز تفکر اساطیری» هنوز فاعل و مفعول از یکدیگر جدا نشده اند. اشیاء و پدیده ها به اقتضای تجربیاتی که انسان با حواس خود به دست می آورد، قابل درک می گردند. «طرز تفکر اساطیری» به جهت این که روابط و مناسبات اجتماعی را تهدید به فروپاشی می کرد در پروسه فردگرایی سرکوب گردید.

پریمیویسم و آثار کافکا

در زمان حیات کافکا «پریمیویسم» و «طرز تفکر اساطیری» به

۱. Lucien Lévy-Bruhl لوسن لوی - برول (۱۸۵۷-۱۹۳۹ م). فیلسوف و اتنولوگ (نژادشناس) فرانسوی.